

ورود مفهوم حقوق ملت به ایران و نقش نوگرایان و شرع‌گرایان عصر مشروطه در بومی‌سازی آن

یونس فتحی^۱، بهروز سعادت‌تی راد^۲

پذیرش مقاله: 1400/04/29

دریافت مقاله: 1400/01/20

چکیده

در رابطه با ورود مفهوم حقوق ملت در انقلاب مشروطیت و سیر تکوین آن یکی از مسائل اصلی که قابل ارزیابی است؛ کوشش‌های اندیشمندان و فقها در حوزه نوگرایی و شرع‌گرایی برای تکوین این اصل مدرن می‌باشد. از این‌رو، سؤالی که مطرح است، اینکه نخستین سنگ بنای اصول مرتبط با حقوق ملت در ایران چگونه از سوی نوگرایان و شرع‌گرایان نهاده شد؟ پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع و اسناد کتابخانه‌ای بدنبال پاسخ بدین مسأله بوده است. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است، که در بدو ورود مفهوم حقوق ملت به حقوق اساسی مشروطه نسبت میان مفاهیم مدرن و شریعت اسلامی، جدال‌هایی میان نوگرایان و شرع‌گرایان وجود داشته است. چنانچه در این دوران در رابطه با بهره‌گیری و یا عدم بهره‌گیری مفهوم حقوق ملت، از مبانی شریعت اسلامی مباحث قابل توجهی از سوی نوگرایان و شرع‌گرایان مطرح گردید. هرچند این مفهوم با آثار نوگرایان و به واسطه آشنایی آنها با مفاهیم غربی وارد نظام حقوق اساسی ایران شد؛ ولی باید اذعان داشت، که سیر تکوین و نهادینه شدن آن تا حد چشمگیری نشأت گرفته از جدال‌هایی است، که میان هر یک از آنها و همچنین شرع‌گرایان بر سر بومی‌سازی آن رخ داده است.

واژگان کلیدی: انقلاب مشروطیت، حقوق ملت، شرع‌گرایان، مفاهیم مدرن، نوگرایان.

1. استادیار گروه حقوق، دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول) / Fathi3320@gmail.com

2. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

مقدمه

از زمان پی ریزی مقدمات انقلاب مشروطیت در ایران تجددخواهی، پیشرفت و اعتراض به وضع موجود برای ورود به دنیای مدرن، نقد سنت‌های پیشین و همچنین بازنگری در ساختار نظام حاکمیتی مستبد در اولویت کار مشروطه‌خواهان و نوگرایان قرار گرفت. از این‌رو، آشنایی ایرانیان با اندیشه‌های نو در مقابل اندیشه‌های کهن خودنمایی می‌نمود. چراکه، در این برهه زمانی ایرانیان با نهادها و تأسیسات اجتماعی و سیاسی غرب در اواخر قرن نوزدهم آشنایی پیدا نمودند، که از جمله مهمترین ثمرات آن را می‌توان قانون اساسی و اصول مرتبط با احقاق حقوق ملت دانست. لازم به ذکر است، با پیروزی انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵، قانون اساسی بعنوان یکی از مجاری و مبانی اصلی اعمال حقوق ملت شد و بدین نحو بود که تمامی معادلات سنتی در قدرت سلطنت ایران را برهم زد. در واقع امر، انقلاب مشروطه موجب پدیداری نظام حقوق اساسی مدرن و نهادینه شدن حقوق ملت گردید، که حکومت را از حالت سلطنتی مطلقه به سلطنتی مشروطه متحول نمود. البته باید بدین نکته اشاره نمود که قبل از نهادینه شدن حقوق اساسی و قانون اساسی بعنوان مهمترین منبع آن و اختصاص اصولی به حقوق ملت رهبران مشروطه‌خواه که عمدتاً نوگرایان و شرع‌گرایان معترض وضعیت سلطنتی مستبد بودند، نقش اساسی در تحقق مشروطیت و اصول مرتبط با حقوق ملت داشتند. چنانچه دو گروه نوگرایان و شرع‌گرایان در مقابل مفاهیم جدیدی همچون: قانون، حقوق بشر و حقوق ملت به معنای مدرن، مواضع متفاوتی از یکدیگر اتخاذ نمودند، که اهم آنها منجر به تأسیس و تحول نظام حقوق اساسی مشروطیت گردید. بدین ترتیب هرآنچه را که امروزه از مفاهیم مدرن به نام شکل بومی‌سازی شده حقوق ملت و دموکراسی می‌شناسیم، را می‌بایست در اندیشه‌های نخستین نوگرایان جستجو نمود. در نقطه مقابل شرع‌گرایان بر این باور بودند در شریعت اسلامی نیز نمونه‌هایی از حقوق عامه مردم در مقابل حاکمان وقت بصورت مکتوب مشهود است. چنانچه در نامه پنجاه و سوم نهج‌البلاغه در زمان خلافت حضرت علی (ع) در خطاب به مالک اشتر در خصوص رعایت مساوات میان مردم فرمایشاتی را بیان می‌نمایند. به همین دلیل است که پس از ورود مفهوم مدرن حقوق ملت به ایران برخی از شرع‌گرایان نظیر نایینی آن را مطابق با شریعت اسلامی می‌دانستند. بدنبال این چنین تحولاتی سوالی که

در این نوشتار به ذهن نگارندگان متبادر می‌گردد، اینکه از بدو ورود مفاهیم حقوقی مدرن مرتبط با احقاق حقوق ملت در عصر مشروطه چه دیدگاه‌هایی از سوی نوگرایان و شرع‌گرایان مطرح بوده است و در نهادینه شدن این مفهوم دیدگاه‌های مطروحه بیشتر گرایش به سمت مدرنیته داشته یا شریعت اسلامی؟ در راستای پاسخگویی به این مسأله فرضیه نگارندگان در مقاله حاضر لزوم پذیرش رویکردهای نوگرایان در بدو مشروطیت جهت تکوین مفاهیم مدرنی همچون حقوق ملت است؛ بطوری که این پذیرش بیش از هر چیزی مرهون مناقشه‌هایی است، که جهت نسبت‌سنجی آنها با حقوق شرع از سوی شرع‌گرایان رخ داده بود.

در راستای دستیابی و پاسخ به سوال و فرضیه‌های مورد نظر نوشتار حاضر ضمن بیان پیشینه‌ای از پژوهش در سه بخش پیاپی نگارش گردیده است. چنانچه در ابتدا به بررسی مفهوم حق و ملت و ارتباط آن با جنبش مشروطیت و ورود آن به نظام حقوق اساسی ایران از حیث مدرن بودن آن می‌پردازیم. سپس در بخش‌های بعدی ویژگی‌ها دیدگاه‌های نوگرایان را بعنوان سنگ بنای تأسیس مفهوم حقوق ملت در عصر مشروطیت مورد بررسی قرار خواهیم داد. در نهایت و در بخش پایانی نیز با ارجاع به جدال‌های شرع‌گرایان عصر مشروطیت، تأثیر آنها را بر نهادینه شدن حقوق ملت واکاوی خواهیم نمود.

1. پیشینه پژوهش

در رابطه با بررسی و تبیین ورود مفهوم حقوق ملت به ایران و نقش نوگرایان و شرع‌گرایان عصر مشروطه در بومی‌سازی آن تاکنون هیچ‌گونه تحقیق مستقلی صورت نپذیرفته است. البته باید بدین نکته نیز متذکر شد، که نوشته‌ها و آثار فراوانی نیز در ارتباط عصر مشروطیت و تاریخ تحولات آن رشته تحریر در آمده‌اند، اما در هر یک از آنها بررسی نقشی که نوگرایان و شرع‌گرایان عصر مشروطه در بومی‌سازی برخی مفاهیم مرتبط با حقوق عمومی نظیر حقوق ملت کمتر مورد ارزیابی و توجه قرار گرفته است. اما با این وجود می‌توان به برخی از منابع که در ارتباط با موضوع مورد بحث بصورت کاملاً مجزا مباحثی را مطرح نموده‌اند، اشاراتی را مختصراً بیان داشت. مسعود مرادی و سرکار خانم فاطمه رضایی در مقاله‌ای تحت عنوان «تحول سنجی مفهوم ملت در دوره قاجار»، منتشر شده در مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام به شماره 19 در زمستان 1395 بیش از هر چیزی از

بعد واژه شناسی و جامعه شناسی به بررسی مفهوم ملت در عصر قاجار پرداخته است. لازم به ذکر است، نویسندگان در مقاله مذکور نه تنها به بررسی موضوع از بُعد حقوقی نپرداخته‌اند، بلکه هیچگونه اشاره‌ای نیز به سمت و سوی نظریه‌پردازی‌ها و مبانی فکری نوگرایان و شرع‌گرایان در خصوص ورود یا عدم ورود آن و نهادینه شدن آن در حقوق اساسی ایران ننموده‌اند. نوآوری پژوهش حاضر نسبت به پژوهش مذکور در خصوص مسأله حقوق ملت در عصر مشروطه از دو جهت است، ۱) این مقاله صرفاً شامل نظرات تاریخی علما و روشنفکران در دوران مشروطه نیست، بلکه بصورت موردی رویکردهای نوگرایان و شرع‌گرایان را در خصوص بومی‌سازی و از حیث حقوقی انطباق و یا عدم انطباق این مفهوم نو با موازین شرعی در نظام حقوق اساسی مشروطیت به بحث و بررسی گذاشته است؛ ۲) در حالی که پژوهش صورت گرفته صرفاً ناظر بر خصوصیات و ادبیات واژگانی مفهوم حقوق ملت در عصر قاجار می‌باشد.

2. عصر مشروطیت تجلی‌گاه ورود مفهوم حق و ملت به نظام حقوق اساسی ایران و

شکل‌گیری واژه حقوق ملت

به طور کلی اگر بخواهیم به بررسی و تبیین مفهوم حقوق ملت به عنوان یکی از مفاهیم مدرن در عصر مشروطیت که وارد نظام حقوق اساسی ایران گشته، بپردازیم. در ابتدا می‌بایست به تفکیک کلمه نحوه ورود این مفهوم را به نظام حقوقی ایران مورد بررسی قرار دهیم. تا از این طریق و با دیدی جامع نسبت به معنا و مفهوم آن به واکاوی دیدگاه‌های هر یک نوگرایان و شرع‌گرایان عصر مشروطیت در خصوص بومی‌سازی این مفهوم مدرن در بخش‌های آتی بپردازیم. فلذا در این بخش از مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش خواهیم بود، که در عصر مشروطه دو مفهوم حق و ملت چگونه در نظام حقوق اساسی ایران وارد شده و واژه حقوق ملت را بنیان نهاده‌اند؟

2-1. شکل‌گیری واژه حقوق ملت

جنبش مشروطیت با ایجاد نظام حقوق اساسی و به دنبال آن نگارش قانون اساسی و وضع قوانین جدید بر آن شد، تا ساختار سنتی جامعه ایرانی که پیش از این بر مبنای قدرت سیاسی سلطنت مستبد استوار بود، را بر هم زند. تا از این طریق و با ایجاد محدودیت در قدرت سلطنت، اعضای جامعه به قدرت تازه‌ای دست یابند. قدرتی که می‌بایست جهت تکوین در حکومت قانون تجلی یابد؛ و بر

مبانی آن همه آحاد مردم در برابر آن از حقوق مساوی برخوردار گردند. به همین دلیل زایش مفهوم "ملت" از معنایی و اصطلاحات سنتی همچون "رعایا" بدین خاطر بود که اجماع مردم، حق و حقوقی تحت عنوان "حقوق ملت" در برابر حاکمیت برای خود قائل باشند.

در توضیح مطلب باید افزود، گرچه در عصر مشروطیت نوگرایان که تحت عنوان نظریه‌پردازان اصلی مبانی فکری احقاق حقوق ملت برگزیده شده بودند و طیفی از نهادهای شدن اندیشه‌های مدرن را در جدال با شرع‌گرایان تشکیل داده‌اند. اما باید توجه نمود، که عموماً در یک مسأله با آنها دارای نقطه مشترک بودند. چنانچه می‌توان اذعان داشت، که این دست از متفکران نوگرا به عنوان نخستین اشخاصی که نظریه‌های حقوقی مدرن را وارد نظام حقوق اساسی ایران نموده‌اند، هرچند که منبع اولیه و اصل تفکراتشان اندیشه‌های غربیان بوده است. اما بعضاً طی جدال‌هایی که با شرع‌گرایان بر سر ورود مفاهیم مدرن غربی داشته‌اند و در بخش‌های آتی نیز بدان اشاره خواهیم نمود، تا حدودی مؤیداتی را نیز از شریعت اسلامی در اندیشه‌های خود فراهم آورده‌اند (Damghani, 1978: 230). اما در هر صورت علی‌رغم این چنین تأثیراتی با توجه به اینکه اصولاً اذهان و نظام فکری آنها سمت و سویی از حق‌ها و حقوق مدرن غربی داشت، در نهادهای شدن اصولی نظیر "حقوق ملت" بیشتر از مبانی و مفاهیم غربی تأثیر پذیرفته‌اند. لازم به ذکر است، موضوع اظهار نظر و بحث در رابطه با اعطای حقوق به اهالی ملت در بدو ورود مفاهیم غربی و در عصر مشروطیت، اعطای حقوق بشری به شهروندان ایرانی بود و آنان توجه چندانی به تکالیف انسان‌ها نداشته‌اند (Tabatabai, 2007: 95). فلذا در حالی که دو مفهوم بنیادین آزادی و برابری تحت عنوان دو دسته از مهمترین حقوق بنیادین ملت محور اصلی بحث‌های اندیشمندان در جوامع غربی بودند (Moradkhani, 2017: 519); نوگرایان مشروطه‌خواه ایرانی بیش از هر چیزی توجه خود را به اینگونه بحث‌ها معطوف داشتند. چنانچه آنها یکی از ابتدایی‌ترین حق‌های طبیعی افراد را در آزادی که بعضاً آن را حریت می‌نامیدند و یا برابری که از آن تحت عنوان مساوات یاد می‌نمودند، می‌دیدند. البته باید یادآوری نمود که در کنار حق‌های مذکور آنان به دیگر موارد حقوق اعطایی به ملت نظیر حق صیانت، حق انتخاب، آزادی بیان و... نیز توجه ویژه‌ای داشتند (Saket, 1991: 88). اینگونه بود، که حقوق ملت در مفهوم مدرن آن بعنوان یکی از بنیان‌های اساسی حقوق طبیعی افراد جامعه در نظام حقوق اساسی مشروطه از سوی نوگرایان مورد توجه بود، که در نتیجه جدال با شرع‌گرایانی که بدنبال مشروطیت بودند، به منصفه ظهور

نشست. لازم به ذکر است، شرع‌گرایان که در گذشته از حقوق مردم تحت حاکمیت حکومت جائر دفاع می‌نمودند و موضوعاتی نظیر ظلم نکردن حکومت به مردم، حفظ مال و جان و آبروی مردم، برخورد عادلانه با مردم از سوی حکام و امثال آن را در نظریات خود ارائه دادند؛ در عصر مشروطیت و بدو ورود مفاهیم مدرنی همچون "حقوق ملت" علاوه بر این تأکیدات ورود آحاد افراد جامعه را به عرصه‌های تأسیس و تشکیل نظام سیاسی را نیز مورد نظر خود قرار داده و در این رابطه به نظریه‌پردازی و جدال با نوگرایان پرداختند (Moradkhani and Sadeghian, 2019: 149). چراکه، اعطای حقوق فردی به افراد تشکیل دهنده جامعه یکی از تأثیرگذارترین مفاهیم مدرنی بود، که به نوبه خود نقش چشمگیری در محدود نمودن قدرت حاکمیت و نهادینه شدن حقوق اساسی ملت داشت (Abadian, 2009: 220). علاوه بر موارد فوق‌الذکر نکته دیگری که در اینجا باید بدان متذکر شویم اینکه، به موازات تفاسیر ملت در نظریات سنتی و مدرن، ادبیات و اندیشه نوگرایان و علمای شرع‌گرای عصر مشروطیت از مفهوم ملت راه متفاوتی را می‌پیمود، که در ادامه به تبیین نظرات آنان در رابطه با بومی‌سازی مفهوم مدرن ملت خواهیم پرداخت.

3. دیدگاه‌های نوگرایان سنگ بنای تأسیس مفهوم حقوق ملت در عصر مشروطیت

ورود و شکل‌گیری مفهوم مدرن حقوق ملت در نظام سنتی ایران، همانطور که گفته شد از سوی نوگرایان ایرانی و با سفرهای خود به غرب مدرن، آغاز گردید. از این حیث نوگرایانی که تحت تأثیر اندیشه‌های مدرن غربی مفهوم حقوق ملت را وارد جامعه سنتی ایران نمودند، را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرد. دسته نخست شامل آن عده از نوگرایانی بود، که در تکوین و نهادینه شدن مفهوم حقوق ملت بطور مستقیم اشاراتی به شریعت اسلامی داشتند. در مقابل آنها دسته دوم نیز شامل آن عده از نوگرایانی بود، که نظراتی مخالف از خود ارائه داده و این چنین مفاهیمی را غیرقابل انطباق و عدم‌سازگار با شریعت اسلامی می‌دانستند. که در ادامه به تبیین نظام فکری آنان در بنا نهادن مفهوم مدرن حقوق ملت در نظام حقوق اساسی عصر مشروطیت خواهیم پرداخت.

3-1. دیدگاه نوگرایان قائل به سازگاری مفهوم حقوق ملت با شریعت اسلامی

در میان نوگرایانی که تحت تأثیر اندیشه‌های غربی وارد کننده مفهوم مدرن حقوق ملت در ایران عصر مشروطیت بوده‌اند، میرزا یوسف خان مستشارالدوله و میرزا ملکم خان بطور مستقیم این مفهوم

را سازگار با شریعت اسلامی می‌دانستند. چنانچه آنها با تکیه بر این دیدگاه چارچوب‌هایی را نیز برای اینگونه حق‌های بنیادین ملت بیان داشتند. که در ادامه این مطلب به بررسی نظریات آنان و گرایشی که به سمت موازین شریعت اسلامی مرتبط با حقوق ملت داشتند، خواهیم پرداخت.

1-1-3. اندیشه‌های میرزا یوسف خان مستشارالدوله در خصوص سازگاری مفهوم حقوق ملت با شریعت اسلامی

مستشارالدوله جهت بیان و تشریح نظریات نوگرایانه خود در رابطه با مفاهیم مدرن غربی و ورود و نهادینه نمودن آنها در نظام حقوق اساسی عصر مشروطیت، در رساله‌ای تحت عنوان "یک کلمه" و از قانون اساسی فرانسه اقتباس نمود. تا از این طریق نهایت سعی خود را در مطابقت آنها با آیات شرع و احادیث نماید (Maziani, 2010: 100). او سپس اقدام به بومی‌سازی مفاهیم وارداتی از طریق ریشه‌یابی در فقه و شریعت اسلامی می‌نمود. تا بدین نکته مهم نیز توجه گردد، که اکثر مفاهیم موجود در نظام‌های حقوقی مدرن در فقه و شریعت اسلامی نیز دارای سابقه‌ای دیرینه می‌باشند (Zargarinejad, 1995: 200).

در ریشه‌یابی و بومی‌سازی حقوق متعلق به آحاد جامعه اسلامی نظیر حقوق ملت مستشارالدوله ضمن گریزی بر سابقه آن در شریعت اسلامی، بارزترین مصادیق را در بومی‌سازی آن بیان می‌دارد. چنانچه او حقوق مذکور را در فقرات مختلف رساله خود به شرح ذیل تقسیم‌بندی نمود (Mustashar al-Dawla, 2003: 65):

1. **فقره اول، حق برابری و مساوات:** مستشارالدوله ضمن توجه به اصول و موازین شریعت اسلامی در بومی‌سازی مفاهیم مدرن غربی، یکی از حقوق اولیه اعضای ملت را حق برابری آحاد جامعه در مقابل قانون مورد شناسایی قرار می‌دهد. تا بدین نکته مهم اشاره نماید، آن حق مساواتی که در نظام حقوقی مدرن فرانسه برای اعضای ملت و شهروندان در نظر گرفته شده است، سابقاً و عیناً مورد توجه شریعت مقدس اسلامی نیز بوده است. چنانچه این اندیشمند نوگرا مستنداً و در مدعای خویش به آیاتی از قرآن نظیر آیه 58 سوره نساء و دیگر آیات همچون آیه 152 سوره انعام و آیه 42 سوره مائده صریحاً اشاره می‌نماید. مستشارالدوله این اصل را چنین تعریف می‌کند: «مساوات در محاکمات و مراعات در اجرای قانون یعنی اجرا شدن احکامی که در قانون نوشته شده و در حق اعلی و ادنی و ضیع و شریف و قوی و ضعیف، به طریق مساوات باشد و به هیچ وجه امتیاز نداشته باشد، اگرچه مدعی و مدعی علیه ذات امپراطور باشد، حکم قانونی چون دیگران بر او نافذ است» (Mustashar al-Dawla, 2003: 67).

2. **فقره چهارم، حق امنیت:** مستشارالدوله در تعریف خود از این حق، از یکسو فرد و از سوی دیگر حاکمیت را مدنظر قرار می‌دهد. تا از این طریق به ابعاد و زاوایای مختلف حق بر امنیت به صورت تلویحی اشاره نماید. مستشارالدوله در این فقره به آیات مرتبط با قصاص حق بر مصونیت جان، مال و حیثیت آحاد جامعه را نیز بیان می‌دارد. چنانچه در این خصوص نیز بعنوان نمونه آیات حرمت زنا را در شریعت اسلامی جهت حق امنیت ناموس تشریح می‌نماید.

3. **فقرات سوم، ششم، هفتم، نهم و هجدهم حق آزادی:** مستشارالدوله یکی از لوازم اصلی ایستادگی در مقابل ظلم و جور را تحقق یکی از اصول بنیادین شریعت اسلامی یعنی امر به معروف و نهی از منکر برمی‌شمرد. فلذا او آزادی و مصادیق مرتبط با آن را بعنوان ابزاری جهت تحقق امر به معروف و نهی از منکر در جامعه سنتی ایران عصر مشروطیت برمی‌شمرد. همچنین او براین باور است که: «حریت شخصی یعنی هرکس حر و آزاد است و کسی را مجال تعرض نیست». او در تبیین این فقره بیان می‌دارد: «حریت شخصیه است یعنی بدن هر انسانی آزاد می‌باشد و هیچ احدی نمی‌تواند سبیلی و مشت به کس دیگری بزند و یا او را دشنام و فحش بدهد. صورت مسئله مذکور متعدد و کثیر است. منجمله احدی را درون خانه کسی حق دخول و تجسس نیست و هیچکس را به گناه دیگری عقوبت نمی‌توان کرد و کسی را به ظن مجرد نمی‌توان گرفت و حبس نمود و احدی را جز به حکم قانون، جریمه و تنبیه و سیاست نمی‌توان نمود. همچنین مستشارالدوله خود با استناد به آیات قرآن به امنیت جانی اشاره کرده و حق عدم تعرض را منوط به قصاص می‌نماید.

4. **فقره هفدهم، حق تن و جسم:** مستشارالدوله در این فقره به بیان عدم اعمال شکنجه اشاره می‌نماید و آن را بعنوان حقی به تن و جسم شهروندان بشمار می‌آورد.

5. **فقره نوزدهم:** در این فقره مستشارالدوله از جمله مهمترین حقوق عامه ملت را حق بر آموزش می‌داند و بنا بر این اصل به لزوم تشکل مکتب‌خانه‌ها جهت تربیت فرزندان افراد بی بضاعت جامعه اسلامی اشاره می‌نماید.

با توجه به آنچه که عنوان گردید در رابطه با دیدگاه‌های ارزنده مستشارالدوله بعنوان یکی از اندیشمندان نوگرایی که در عصر مشرویت با گرایش به سمت شریعت اسلامی سعی در بومی‌سازی مفهوم مدرن حقوق ملت نمود باید اذعان داشت، که وی همواره بدنبال این بود تا موجبات احقاق حقوق ملت را ضمن خلط با مبانی اسلامی در نظام حقوق اساسی مشروطیت فراهم آورد.

2-1-3. اندیشه‌های میرزا ملکم خان در خصوص سازگاری مفهوم حقوق ملت با شریعت اسلامی

میرزا ملکم خان از جمله نوگرایانی بود، که همانند اکثر متفکران متجدد قرن 19 به حقوق اعضای ملت اعتقاد داشته است. چنانچه وی بارها در آثار خود واژه حق را به کار برده است. به عبارتی می‌توان گفت، او بیش از سایر نوگرایان عصر مشروطیت در معرفی و تعریف واژه‌های مدرن و بومی‌سازی آنها بر مبنای نظام سنتی جامعه ایرانی کوشیده است. به همین دلیل ملکم خان در رساله ندای عدالت بر این باور است: «به اعتراف جمیع ادیان و به تصدیق جمیع حکما، خالق عالم در ازل ما را آدم آفریده است و از برای سند آدمیت، آحاد ما را صاحب و وارث آن مواهب عظیمی ساخته است. که مجمع آن را، حقوق آدمیت می‌گویند» (Tabatabai, 2007: 151). شاید دلیل تأکیدات اندیشه ملکم خان در بومی‌سازی مفاهیم مدرن غربی جستجوی آنها از دل سنت‌های جامعه ایرانی است. بر مبنای این تفکر او بر این باور بود، تجددخواهی و نوسازی جامعه سنتی ایران از طریق مفاهیم غربی، دشمن مشترکی به نام سنت دینی دارد. فلذا آنچه در دیدگاه او انگاشته شده است؛ تعارض تجدد و ایرانیت با سنت دینی و نهادهای مرتبط آن است (adameiyat, 2006). ملکم خان بر این اعتقاد بود، که باید برای جامعه سنتی ایران قانون تدوین نمود. فلذا بهترین قوانین جهان همان قوانینی است، که در فقه و شریعت اسلامی آمده‌اند؛ و ما می‌بایست احکامی را که در فقه آمده است را به صورت قانون در بیاوریم. بر این اساس ملکم خان نظریات نوگرایانه خود در زمینه حقا را در کتابچه غیبی دفتر قانون و همچنین رساله صراط مستقیم تشریح نموده است. که در قانون اول تا ششم آن سخن از اصول بنیادین حاکمیت و در قانون سوم نیز به شرح حقوق ملت می‌پردازد (Damghani, 1978: 7). البته او به این نکته نیز اشاره نمود، که نباید از نظریه‌پرازی‌هایش این استنباط شود، که مقصود او تغییر شریعت اسلامی است (Rajabi, 2011: 280). با این دیدگاه ملکم خان فرامین پادشاه را در یک حکومت مطلقه واجد وصف قانونیت نمی‌دانست (Malek Khan, 2009: 230).

در نظریات و اندیشه‌های مکتوب ملکم خان ضمن توجه به اصل قانونیت بعنوان مبنای شکل‌گیری حقوق ملت بر اساس موازین اسلامی، آثار متفاوتی را می‌توان از حقا مشاهده نمود. چنانچه می‌توان به حق مساوات بعنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان مورد نظر ملکم خان در ارتباط با بحث حقا اشاره نمود. او در این خصوص بر این باور بود: «مساوات خود به دو نوع قابل تقسیم‌بندی است، یکی مساوات در نفوس و دیگری نیز مساوات در حدود و حقوق است»

(MalekKhan,2002:100). در توضیح و بیان حق‌های مذکور ملکم خان از مساوات در نفوس سخنی به میان نمی‌آورد. اما در ارتباط با بحث مساوات در حدود و حقوق او بر این باور بود، که نبایست با ملاحظه به افراد و با غرض زجر صورت گیرد. چنانچه در قانون سوم کتابچه غیبی خود نیز به موضوع حقوق ملت و مساوات در حقوق اشاره داشته و بیان می‌دارد، که قانون در تمامی ممالک سرزمین ایران در حق همگی افراد حکمی مساوی دارد (Malek Khan,2009:112).

از دیگر حق‌های بنیادین ملت در نظریات نوگرایانه ملکم خان می‌توان به حق اطمینان اشاره نمود. چنانچه از نظر او "اطمینان" دربرگیرنده حق امنیت می‌باشد. که ملکم خان این حق را به صورت اطمینان جانی و اطمینان مالی تقسیم‌بندی می‌نماید. از دیگر حق‌هایی که ملکم خان بدان اشاره صریح داشت، می‌توان به "اختیار" اشاره نمود. چنانچه از نظر او "اختیار" عبارت است، از آزادی‌های ممدوح و مذموم. بنا بر این تقسیم‌بندی از نظر ملکم خان اختیار مذموم منجر به اختلال در نظم قانون پیامبر خاتم (ص) می‌گردد. همچنین او اختیار ممدوح را شامل: اختیارات بدنی، زبانی، قلمی، خیال، کسب و جماعت می‌داند. بدین ترتیب، ملکم خان با در نظر گرفتن حق‌های بنیادین اعضای ملت، سه وظیفه عمده حفظ استقلال و تمامیت ارضی، حفظ حقوق جانی و حفظ حقوق مالی را از جمله وظایف اصلی حاکمیت برمی‌شمرد. او در نهایت می‌گوید تنها هدف من تغییر شریعت اسلام نیست بلکه احکام متفرق اسلام را همانگونه که دولت‌های غربی در قوانیشان ترتیب اثر داده‌اند، ما نیز احکام اسلامی را تبدیل به قانون نماییم (Malek Khan,2009:138).

3-2. دیدگاه نوگرایان قائل به عدم‌سازگاری مفهوم حقوق ملت با شریعت اسلامی

در نقطه مقابل نظریات نوگرایانه اندیشمندانی همچون مستشارالدوله و ملکم خان که بنیان فکری خود را جهت تکوین حقوق ملت، در مفاهیم مشابه و سازگار در شریعت اسلامی قرار داده بودند. دیگر نوگرایان به ارائه نظریاتی مخالف در این خصوص پرداختند. که در ادامه به تبیین نظرات هر یک از این نوگرایان خواهیم پرداخت.

3-2-1. اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده در خصوص عدم‌سازگاری مفهوم حقوق ملت با شریعت اسلامی

آخوندزاده از دنوگرایانی بود، که اندیشه‌های سیاسی - حقوقی خود را بر پایه حقوق طبیعی بنیان نهاد (Akhundzadeh, 1978: 171). همچنین آخوند زاده یکی از مهمترین انگیزه‌های ترقی جامعه

ایرانی را حرکت به سمت عزم شکوه ایران باستان ایران می‌دانست (Moradi; And Rezaei, 2016: 109). تا جایی که او در نامه‌ای که به جلال الدین میرزا قاجار می‌نویسد، ضمن تقدیر و تشکر فراوان از او در عدم استفاده از الفاظ و لغات عربی، چنین نوشت؛ که تمام سعی و تلاش خود را در آن دارد که ملت ایران را از خط عربی نجات دهد. او در این خصوص حتی یکی از آرزوهای دیرینه خود را نیز این چنین بیان می‌دارد: «کاش افرادی بودند تا بتوان با اتکا بر آنها، ملت ایران را از آثار سلطنت اعراب و تمامی خرابی‌های ناشی از حملات آنها نجات داد و مجدداً به عزت و شکوه ایران باستان بازگشت (Akhundzadeh, 1357: 171).

مطابق نظریات نوگرایانه آخوندزاده تجدد و نوگرایی در نظام سیاسی ایران زمانی اتفاق خواهد افتاد، که آحاد ملت از آنچنان آزادی برخوردار باشند، که هر یک افراد جامعه هر آن چیزی را که می‌خواهند به زبان بیاورند، بتوان بیان دارند؛ و هر آن چیزی را که می‌خواهند انجام دهند (Adameiyat, 1970: 145). او بر این باور است که: «هر فرد آدمی که قدم به عالم هستی نهاد باید به حکم عقل سلیم از نعمت حریت کامله بهره‌مند شود. حریت کامل عبارت از دو قسم حریت است: یکی حریت روحانیه است، دیگری حریت جسمانیه. جمع حریت روحانی و جسمانی، حریت کامله ی انسانی است و هر کدام از آنها فروع متنوعه دارد که در کتب مبسوطه فرنگستانیان مشروح است و مساوات عبارت از وجود این دو ماده است. اما مردم آسیا حریت کامله را به یکبارگی گم کرده‌اند و از لذت مساوات و از نعمت حقوق بشریت کلیتاً محرومند و بر فهم این حرمان عاجزند.» (Akhundzadeh, 1978: pp 452-453).

نکته دیگری که در اینجا باید بدان اشاره نمود، اینکه آخوند زاده بر دیدگاه‌های مستشارالدوله نقدهایی را وارد کرده است. چنانچه در نامه‌ای که برای مستشارالدوله می‌نویسد، نقد رساله او را این چنین بیان می‌نماید: «یک کلمه کتاب بی نظیر و یادگار خوبی است، اما برای ملت مرده نوشته شده است». لازم به ذکر است، آخوندزاده ایرادات خود را از رساله مستشارالدوله در نامه خود به شرح ذیل بیان می‌دارد (Akhundzadeh, 1978: 23):

1. مستشارالدوله در رساله خود در هریک از مقایسه‌هایی که انجام داده بود، به این نتیجه رسیده

که در اسلام تمام آن موارد وجود دارد.

2. اگر شریعت سرچشمه عدالت می‌باشد، باید مساوات را نیز بپذیرد، این درحالی است که در شریعت اسلام مساوات مختص طایفه ذکور است.
3. اگر شریعت را سرچشمه عدالت بدانیم، پس باید حریت افراد را نیز مورد پذیرش قرار دهد. پس بیع غلام و کنیز چرا جایز شمرده شده است.
4. شلاق زدن زانی و زانیه چه معنایی پیدا می‌کند، وقتی که یک زن و مرد آزاد در قید زوجیت نیستند و به رضای خود با هم مقاربت نموده‌اند. شریعت بر چه مبنایی حق دارد، که هریک از آنها را یکصد تازیانه بزند.

آخوندزاده ضمن بیان ایرادات و نقدهای خود در رابطه با وضعیت حقوق ملت در محاکم نظام سنتی ایران زمان بیان می‌دارد، نه قانونی و نه نظامی و نه اختیار معینی وجود دارد. چنانچه کسی به کسی سیلی بزند مظلوم نمیداند، که جهت ترضیع حقوق خود به کدام اختیار رجوع کند. یکی از آنها در نزد مجتهد می‌رود و دیگری در نزد شیخ الاسلام، یکی شکایت خویش را نزد امام جمعه می‌برد، و دیگری نیز به داروغه رجوع می‌نماید. با اینکه نظام حقوقی کشور متحول گردیده است، اما قانون معینی وجود ندارد، تا بتوان از طریق آن احقاق حقوق ملت را تعیین نمود. فلذا او بر این باور بود که جهت دستیابی اعضای ملت به حقوق خود قانون در معنای مدرن آن، باید توسط خود مردم نوشته شود. بدین ترتیب، اجرای عدالت و رفع ظلم در صورتی میسر خواهد بود، که ملت خود صاحب بصیرت و علم گردد؛ و به ظالم بگوید بساط سلطنت خود را کنار بزند (Akhundzadeh, 1978:140).

2-3- اندیشه‌های عبدالرحیم طالبوف در خصوص عدم‌سازگاری مفهوم حقوق ملت با شریعت اسلامی

طالبوف از جمله نوگرایانی است، که در خصوص مفهوم حق نسبت به سایرین تأمل بیشتری داشته است. او به حقوق طبیعی معتقد بود، او بر این باور داشت، که حق با تولد انسان به او داده می‌شود؛ و هرگز نمی‌توان آن را مورد تجاوز قرار داد. طالبوف در مسائل الحیات بیان می‌دارد: «حق یعنی حقیقت، عبارت از آن قوه ششمی باطن انسان است که برای او عضو مخصوص چون سایر قوا خلق نشده و چون متتها و متکای هرچیز به حق است، از آن جهت قایم به ذات است. حق از روز ولادت تا هنگام وفات با خود آدم تولید می‌شود و متدرجاً تعلق او به حد تصادف او با حق شخص ثانی در آیینه مرور ایام مرئی می‌گردد.» (Talibov, 1978:7). درواقع، طالبوف در اینجا اشاره به حقی می‌کند

که با تولد انسان سلب ناشدنی و نامرئی می‌باشد. علاوه براین، طالبوف در جای دیگری در خصوص بوجود آمدن حق به نقش شخص دوم اشاراتی می‌کند و بیان می‌دارد: «برای تولید حق یک منبع و یک مظهر داریم. منبع را نمی‌شناسیم و نمی‌توانیم آن را نشان دهیم. آن منبع مظهر زبان ماست که به واسطه او اظهار حق می‌نماییم. اگر کسی در خانه‌ای تنها بنشیند، عریان باشد، دراز بکشد، خنجر بازی کند، طپانچه خالی نماید، یا هیچ کار نکند حق اوست، اما تا شخص ثانی بر او وارد شد، حق شخص او محو می‌گردد (آدمیت، 1363: 30).

طالبوف همچنین اشاراتی به حق آزادی داشت؛ و براین باور بود: «آزادی یعنی مختار بی قید و حر مساوات یعنی برابری، بی تفاوتی و اینها مظاهر ظاهری این الفاظ هستند. ولی معنی حقیقی آنها تعظیم شرف نفس و همان قدر از آن دیگران است، که آزادی و مساوات می‌گویند و یکی بدون وجود دیگری معنا و مفهومی نخواهد داشت. چراکه، آزادی شخصی و مستلزم قید سایرین می‌باشد. آزادی که متحد با مساوات نیست، تجاوز نمودن به حقوق دیگران است» (Talibov, 1978: 92). طالبوف در اینجا از حق آزادی سخن به میان می‌آورد، و آن را در ارتباط با دیگری در نظر می‌گیرد. در واقع، تأکید طالبوف بر حق آزادی، به عنوان امری است که تحقق یافتن آن منوط به مساوات یا برابری اشخاص در مقابل قانون است. چنانچه وجود یکی بدون دیگری میسر نخواهد بود. البته باید بدین نکته نیز اشاره نمود، که طالبوف در تعاریفی که از حق داده بود، آنچنان فنی و محسوس بدان نپرداخته بود. فلذا گرچه این چنین حقی در همهٔ نفوس به ذات دارای تساوی است؛ اما کسی نایست به حق دیگری تجاوز نماید. در نتیجه در صورت تجاوز به حقوق دیگری می‌بایست آن را جزء طبیعت ثانویه مردم بشمار آورد (Moradkhani, 2017: 520). گرچه اندیشه‌های فکری طالبوف مبین این نظر است، که اعطای حق‌ها و آزادی‌ها مفهومی جمعی و متعلق به تمامی آحاد ملت می‌باشد. اما تنها راه دستیابی به آن در این است، که هر فرد ایرانی فردیت خویش را دریابد و در راه تحقق حقوق بنیادین خویش قدم در راه آن گذارد. به همین دلیل طالبوف همواره در تلاش بود، تا حقوق هر یک از اعضای ملت ایران را از دل مفاهیم مدرن برجسته نماید.

با توجه به آنچه که از دیدگاه‌ها و نظریات نوگرایان بیان گردید، می‌توان تلاش‌های آنها را بعنوان خاستگاه اولیهٔ آشنایی ایرانیان با مفهوم حقوق ملت در نظام حقوق اساسی ایران تلقی نمود. اما در

عین حال باید توجه نمود، که همسو و یا در مقابل نظریات نوگرایانه این اندیشمندان گروه‌های دیگری از فقهای شرع‌گرا نیز بودند، که در جدال‌های خود بر مبنای دیدگاه‌های شرعی بگونه‌ای دیگر یا اقدام به مخالفت و یا موافقت با بومی‌سازی مفهوم حقوق ملت در نظام حقوق اساسی مشروطیت نمودند. که بررسی نظریات آنان بخش‌های آتی این مقاله را به خود اختصاص داده است.

4. حقوق ملت در اندیشه شرع‌گرایان عصر مشروطیت

شرع‌گرایان عصر مشروطیت با این طرز تفکر به بومی‌سازی مفاهیم وارداتی و مدرن غربی اقدام نمودند، تا مبدا با شریعت اسلامی منافاتی داشته باشند. با در نظر گرفتن دیدگاه‌ها و اندیشه‌های هر یک از شرع‌گرایان عصر مشروطه نکته‌ای که می‌بایست در خصوص نحوه نهادینه شدن و یا بومی‌سازی مفاهیم مدرن غربی بدان توجه نمود، دیدگاه‌های معارض و متضادی است، که شرع‌گرایان با محور فکری جریان یافته از سوی نوگرایان به عنوان گفتمان مشروطه‌خواهی و تجلی‌گاه بومی‌سازی مفاهیم مدرنی همچون حقوق ملت داشته‌اند. فلذا نقطه آغاز گفتمان بومی‌سازی مفهوم حقوق ملت در اندیشه شرع‌گرایان را می‌توان بر دو محور اصلی مورد ارزیابی قرار داد. نخست؛ اندیشه‌های مخالف با مشروطه و مفاهیم مدرن که در دیدگاه و نظریات شرع‌گرایانی همچون شیخ فضل‌الله نوری تحت عنوان گفتمان "مشروع‌خواهی" تجلی یافته است. دوم؛ اندیشه‌های شرع‌گرایانی همچون آخوندخراسانی و دو تن از شاگردانش یعنی محلاتی و نایینی که برای پذیرش مفاهیم مدرن غربی ضمن موافقت با "مشروطه‌خواهی" شروطی را جهت بومی‌سازی مفاهیم مدرن در نظام سنتی ایران ارائه دادند. فلذا در این بخش از مقاله به بررسی هر یک از گفتمان‌ها مورد اشاره خواهیم پرداخت. تا از این طریق تبیین نماییم، شرع‌گرایان چه نقش بی بدیلی در بومی‌سازی مفاهیم مدرنی همچون حقوق ملت داشتند.

4-1. شیخ فضل‌الله نوری و علل مخالفت او با مفاهیم برخاسته از اندیشه‌های نوگرایان

یکی از دلایل عمده مخالفت شیخ فضل‌الله نوری مبنی بر عدم امکان ورود مفاهیم مدرن غربی برخاسته از اندیشه‌های نوگرایان در ساختار سیاسی - حقوقی ایران عصر مشروطیت، این بود که او بطور کلی مشروطیت را سامانی غربی می‌دانست؛ و مطابق اصول حاکم بر شریعت اسلامی با اسلام غیرقابل جمع

است. لازم به ذکر است، مخالفت این دست از فقیهان شرع‌گرا با مفاهیم مدرنیته که وارد نظام حقوقی ایران شده بودند، به آغاز آشنایی ایرانیان با تمدن نو شروع گردید. فقهای که از اساس با مشروطه و شکل‌گیری حقوق اساسی برگرفته از دنیای مدرن مخالف بودند (Turkman, 1983: 112).

شیخ فضل‌الله نوری از جمله شرع‌گرایان منتقدی بود، که در دیدگاه‌ها و نظریات خود ایرادات فراوانی را به مشروطه بیان داشت. چنانچه او با اتکا به اصول و مبانی سنتی و شرعی هم در عمل و هم در نظر چالش‌هایی را بوجود آورد. لازم به ذکر است، شیخ در برخی از ایرادات و نقدهای خود حق‌ها را مورد اشاره قرار می‌دهد. چنانچه اصل تساوی در حقوق، به عنوان یکی از بنیادی‌ترین اصول مربوط به حقوق ملت مورد انتقاد این عالم شرع‌گرا قرار گرفت. شیخ ضمن اینکه این دسته از مفاهیم مدرن را خلاف شریعت اسلامی تلقی می‌نمود، باور داشت ایجاد تفاوت در میان موضوعات احکام مرتبط با حقوق اشخاص امری کاملاً در تضاد با شریعت اسلامی است (Zargarinejad, 1995: 160). شیخ در ایرادات خود به انتقاد حق تساوی ملت بسنده نمی‌نماید و اصل آزادی بیان را نیز مورد انتقاد قرار می‌دهد. چنانچه در این خصوص بیان می‌دارد: «ماده دیگری که در این ضلالت نامه ذکر شده است، اصل آزادی قلم و آزادی مطبوعات است». او انتقاد خود را در خصوص ورود اینگونه مفاهیم مدرن به نظام سیاسی - حقوقی ایران اینگونه توجیه نمود، که نوگرایان بدون ملاحظه موافقت و مخالفت مفاهیم وارداتی با اصول و موازین شریعت اسلامی اقدام به شکل‌گیری نظام نویی نموده‌اند. این در حالی است، که حوزه شرع وسیع بوده و قانونگذاری در خصوص نهادهای مدرن را در نظام حقوق اساسی به مثابه خطری جدی برای اسلام قلمداد می‌نمود. شدت مخالف او به حدی بود، که به هیچ عنوان دستاوردهای مدرنیته ناپیست وارد نظام سیاسی - حقوقی ایران که نشأت گرفته از شریعت اسلامی است، گردد. چراکه، در اندیشه سنتی او اصل بازگشت به قدیم است (Abadian, 1995: 41). از دیگر علل مخالفت شیخ فضل‌الله نوری با مشروطیت و ورود مفاهیم مدرن این بود، که به باور او مشروطه برای منهدم کردن اسلام است. از آنجا که او یکی از وظایف اصلی خود را ادای تکلیف در اجرای قوانین اسلامی می‌دانست خود را پایبند به شریعت مقدس اسلامی می‌دانست و بر این باور بود، که حکومت و احقاق حقوق ملت باید بر اساس فرامین و احکام الهی اداره گردد (Zargarinejad, 1995: 185). فلذا از آنجایی که بر این باور بود اندیشه‌ها و مفاهیم نوگرایانه مشروطه را مخالفان دین وارد نظام سیاسی - حقوقی ایران نموده‌اند، در مقابل آنها سرسختانه مقاومت می‌نمود.

4-2. علل موافقت آخوند خراسانی و شاگردانش با مفاهیم برخاسته از اندیشه‌های نوگرایان

آخوند خراسانی از دیگر فقهای شرع‌گرایی است، که اشاراتی دقیق به مفهوم حق و اعطای آن به ملت دارد. چراکه، او ضمن توجه به حقوق مردم، آنها را دارای حقوقی طبیعی می‌داندست (Moradkhani, Sadeghian, 2019: 155). بطور کلی اشارات آخوند خراسانی به پنج اصطلاح «حقوق ملیه»، «حقوق وطنیه»، «حقوق بشریه»، «حقوق مشترکه» و «حقوق طبیعی» مبینی بر این نظر است؛ و می‌توان در حین توجه بدانها باب جدیدی را جهت هرگونه بحث و اظهارنظر در خصوص شرایط و پذیرش مفهوم مدرن حقوق ملت باشد. چنانچه آخوند این حقوق را متعلق به آحاد مردم می‌داند و علناً بیان می‌دارد، که وقت آن رسیده تا اعضای ملت در استیفای حقوق خویش و در طلب حقوق مغضوبه خود همت نمایند (Khorasani, 2006: 227). از عمده‌ترین ویژگی‌های این فقیه موافق مشروطیت و مفاهیم مرتبط با آن می‌توان به دیدگاه‌های اصول‌اش توجه نمود. چنانچه او با تکیه بر دیدگاه‌های مرتبط با اصول فقه سعی بر آن داشت، تا ورود مفاهیم مدرنی همچون حقوق ملت را در نظام سیاسی - حقوقی ایران سامان بخشد (Abadian, 2009: 25). به همین دلیل آخوند خراسانی در فتوای خود همواره بر عقل تأکید فراوانی داشت. از او هیچگونه الزام شرعی وجود ندارد، مگر آنکه الزام عقلی وجود داشته باشد. بدین معنی که احکام شرعی تابع مصالحی است که عقل حکم به الزام صدور می‌نماید (Kadivar, 2008: 15). فلذا از منطق کلام مشهود است، که الزامات شرعی نباید هیچگونه مخالفتی با عقل داشته باشند و در صورت مخالفت می‌توان به تأویل حکم شرعی پرداخت. با این رویکرد، تعاریفی که آخوند خراسانی از مشروطیت و مفاهیم مدرنی همچون اعطای حقوق به ملت ارائه داده داد، جملگی بر محور تحدید قدرت استوار بودند (Zargarinejad, 1995: 155). همچنین او اعطا و به رسمیت شناختن حقوق عام از طریق مشروط نمودن حاکمیت را از ضروریات می‌دانست و در این خصوص به اصول متعددی نظیر حفظ نوامیس شرعیه، منع منکرات اسلامی، اصل عدالت، محو مبانی ظلم و اصل مصلحت استناد می‌کند (Ajdani, 2004: 150).

محللاتی نیز در پذیرش مشروطه از آن به عنوان مقید کردن سلطنت یاد می‌کند. او عبارت "مطلق" و "مقید" در اصول فقه بهره می‌گیرد؛ که مطابق آن قدرت مطلق است و مشروطه آن را مقید می‌کند (Kadivar, 2004: 186). به باور او سلطنت مشروطه تجدید سلطنت و ادارات دولتی به

دستورالعملی است که برای آزادی افراد و نه محدودیت آنها مفید می‌باشد. چنانچه او تأکید می‌نماید که بر هیچ عاقلی پوشیده نیست که علت اصلی تمامی مفاسد بجز استبداد سلطنت در چیز دیگری نیست. چراکه هر گاه پادشاهی خود را در تمامی امور مملکتی و حتی تصمیمات شخصی آحاد جامعه حاکم مطلق بداند، در آن صورت در تمامی شئون و تزییع حقوق افراد می‌تواند هرگونه دخل و تصرفی نماید (Mahallati, 2011: 215). به باور او با مشروطه نمودن سلطنت یک اصل مهم قابل دستیابی است؛ و آن مشارکت مردم در امور حاکمیتی و آزادی در تصمیمات حاصل می‌گردد.. به عبارتی می‌توان گفت، از نظر محلاتی هدف مشروطیت خلاصی عموم مردم از ظلم و تعدیات سلطان و عدم دخالت در شئون ملت است. در نتیجه در صورت دستیابی به مشروطیت بیضه اسلام حفظ و شئون شخصی افراد از قید و بند کفار و حاکمیت مطلق رهایی می‌یابد. چراکه، به باور او سلطان خود را در تمام امور ملت و همه جهات تمدن مملکت حاکم مطلق دانسته و برای سکنه مملکت در هیچ یک از جهات حق نفی و اثبات و رد یا قبول قائل نمی‌گردد (Mahallati, 2011: 225). توجه محلاتی به مسائل فوق نشانگر درجه اهمیت او به سمت مفاهیم مدرن و بومی‌سازی آنها بر مبنای مفاهیم فقهی و بدنبال آن محدود و مشروط نمودن وظایف سلطنتی جهت حفظ شئون مردم است.

از میان شاگردان آخوند خراسانی هیچ کس به اندازه میرزای نایینی در خصوص مفهوم حق به بیان دیدگاه‌های مختلف پرداخته است. لذا می‌توان بنیان اندیشه او را مقابله با استبداد و پذیرش مفاهیم مدرن غربی تحت تأثیر شریعت اسلامی قلمداد نمود. در یک دیدگاه کلی نایینی به عنوان عالمی دینی در مبانی و تفکرات شرع‌گرایانه خود ورود و بومی‌سازی مفاهیم مدرنی همچون حقوق ملت به نظام سیاسی - حقوقی ایران عصر مشروطیت را حتی اگر هیچگونه سنخیتی با شریعت اسلامی هم نداشته باشند، مغایر با آن نمی‌داند. فلذا تأکید بر آن داشت، که با نهادینه شدن این اصول بنیادین و اساسی می‌توان جامعه اسلامی را به سمت و سوی پیشرفت و تمدن سوق دهد. لازم به ذکر است، حق‌هایی که نایینی در اندیشه‌های فقهی و مبتنی بر شریعت اسلامی بیان داشت، شامل؛ «حقوق مشترک نوعیه»، «حقوق مشروعیه ملیه»، «حقوق مشترکه بین‌الملل»، «حقوق واجبه نوعیه» و «حقوق واجبه الهیه» است. دیدگاه این عالم شرع‌گرا بر خلاف شیخ فضل‌الله نوری که به نقد حق‌هایی همچون مساوات می‌پردازد، تأکید بر اصل مساوات بعنوان یکی از قوانین برتر اتخاذ شده از

شریعت اسلامی داشته است. به همین دلیل حق‌های پنج‌گانه‌ای که از نظر او ذکر گردید، از مهمترین عناوین اولیه حقوق بشری میان عامه مردم بشمار می‌روند. بدین ترتیب، نایینی در اداره امور حاکمیتی توجه به شایسته‌سالاری را بعنوان یکی از مهمترین مبادی رفع استبداد سلطنت مطلقه و به عنوان یک حق بنیادین برای مردم لازم و ضروری می‌داند (Nayini, 2009: 169). نایینی با ارائه نظریات مذکور و با الهام از موازین شریعت اسلامی در تکوین و بسط مفاهیم حقوقی مدرنی همچون حقوق ملت نقش برجسته‌ای در زمانه خود ایفا نمود. لازم به ذکر است، نایینی را با توجه به دیدگاه‌های شرع‌گرایانه‌ای که داشت، نمی‌توان از منظر اندیشه‌های نوگرایان به مسأله حقوق ملت تطبیق داد. چراکه، او همواره در تلاش بود تا در جهت بومی‌سازی مفاهیم وارداتی از ظرفیت‌های فقهی و شریعت اسلامی تمسک جوید (Farihi, 2016: 151). به همین دلیل بود، نایینی در پاسخ به شیخ فضل الله نوری که مشروطیت را بدعت می‌خواند، باور داشت چنانچه مشروطه و حق طلبی را بدعت بدانیم، مغالطه‌ای بیش نیست (Kadivar, 2008: 249).

با توجه به آنچه بیان گردید، می‌توان گفت در تفسیر فقهای شرع‌گرای عصر مشروطیت در موافقت با پذیرش مفاهیم مدرن و وارداتی، نه تنها آنها را با قواعد شریعت اسلامی در تضاد نمی‌دانستند، بلکه بومی‌سازی آنها با استفاده از ظرفیت‌های فقه و شریعت اسلامی امری ضروری برای رهایی از قید و بند حاکمیت مستبد و احقاق حقوق عامه بشمار می‌رفت.

نکته پایانی که باید بدان توجه نمود، اینکه با توجه به مبانی حقوقی مدرن و قواعد فقهی که بر دیدگاه هر یک از نوگرایان و شرع‌گرایان عصر مشروطه در بومی‌سازی مفهوم حقوق ملت حاکم بود و هر یک از آنها منجر به ایجاد جدال‌هایی جهت بومی‌سازی این مفهوم گردید، لازم است در انتهای این متن مقاله مقایسه‌ای از نقش هر یک از دیدگاه‌های متضاد آنها در بومی‌سازی این چنین مفاهیمی در نظام حقوق اساسی ایران بیان گردد، که در جدول ذیل این مهم را مورد اشاره قرار خواهیم داد:

مقایسه عوامل ایجاد جدال میان نوگرایان و شرع‌گرایان عصر مشروطه بعنوان عامل اصلی تکوین و نهادینه شدن مفهوم حقوق ملت

نقش شرع‌گرایان در بومی‌سازی مفهوم حقوق ملت	نقش نوگرایان در بومی‌سازی مفهوم حقوق ملت
تلاش در جهت ورود اندیشه‌های شرعی به ساختار حقوق اساسی ایران	تلاش در جهت ورود اندیشه‌های مدرن به ساختار حقوق اساسی ایران
قائل به سنتی بودن و دینی بودن مضمون حقوق ملت	قائل به مدرن بودن مضمون حقوق ملت
تناقض فلسفه حقوقی - سیاسی مفاهیم مدرن غربی با ساختار نظام حاکمیتی	عدم تناقض فلسفه حقوقی - سیاسی مفاهیم مدرن غربی با ساختار نظام حاکمیتی

نتیجه‌گیری

نخستین جرقه‌ها و به تعبیری سنگ‌بنای آشنایی ایرانیان با حقوق ملی خود به صورت مدون و نهادینه شده در پی تلاش‌هایی بود که اندیشمندان نوگرا در عصر قاجار به ثمر رساندند. چنانچه می‌توان اذعان نمود، مکتوبات آنها در خصوص لزوم توسعه و تکوین علوم مرتبط با خود اتکا نمودن آحاد جامعه را از جمله اصلی‌ترین مبانی فکری در عصر انقلاب مشروطه برای احقاق اندیشه‌های ملی‌گرایانه برشمرد. اما متأسفانه در آن برهه زمانی به دلیل عدم وجود سطح سواد کافی اقشار جامعه و همچنین عدم وجود امکانات لازم جهت آگاهی بخشی به آنها مانعی بزرگ جهت احقاق و نهادینه نمودن حقوق ملت بود. علی‌ایحال در آن زمان مفاهیمی را که اندیشمندان نوگرا طی تحولات نوگرایانه خود جهت مطالبه‌گری حقوق آحاد ملت ارائه نمودند، تأکید بر شناسایی فردیت تک‌تک اعضای ملت و به معنای مدرن آن جهت احقاق حقوق فردی و اجتماعی آنها بوده است. درواقع، ارائه این مفهوم مدرن از سوی آنها را می‌توان بعنوان سنگ‌بنایی جهت ظلم ستیزی و پیش‌زمینه انقلاب مشروطه برشمرد. اصولاً اندیشه‌های نوگرایان حول محور آگاهی‌بخشی و درک درستی از احقاق حقوق فردی از سوی شهروندان بود. چراکه، در این برهه زمانی از آنجایی که در میان توده‌های مردم فهم و درکی درست از مفهوم حقوق فردی ارائه نشده بود، با ناکام ماندن آگاهی‌رسانی اندیشمندان نوگرا، اینبار فقها و شرع‌گرایان مشروطه‌خواه برای حل این معضل وارد عرصه عمل شدند. اما باید توجه داشت، که ورود فقها و

شرع‌گرایان جهت حق‌طلبی آحاد ملت به معنی پذیرش تمام و کمال افکار اندیشمندان نوگرا نبود. چراکه، مفهوم اعطای حقوق به ملت گذار و نهادینه شدن خود را در غرب مدرن طی کرده بود. از آنجایی که تمامی اندیشه‌های رایج پیرامون آن به یکباره به سمت جامعه سنتی و گفتمان حقوقی-سیاسی ایران که بر مبنای شریعت و مفاهیم اسلامی وارد شده بود، مورد انتقاد و یا بعضاً اظهارنظر شرع‌گرایان مشروطه‌خواه ضمن پذیرش و یا عدم پذیرش آن قرار گرفت.

از جمله مهمترین وجوه افتراق رویکردهای نوگرایان و شرع‌گرایان نسبت به مفهوم حقوق ملت، ارزش و اعتبار آن بود. چنانچه اندیشمندان نوگرا با توجه به اینکه اعطای حقوق به ملت را از جمله اساسی‌ترین کرامات بشری بشمار می‌آوردند، آن را در دسته اموری قرار دادند که بطور ذاتی و طبیعی حق هر شهروند ایرانی است. برخلاف این طرز تلقی شرع‌گرایان آن را حقوقی خدادای می‌دانستند، که شریعت مقدس اسلامی آنها را مشخص نموده است. لازم به ذکر است، بطور کلی فقها در ورود این دست مفاهیم مدرن غربی نقشی انفعالی داشتند. اما در عرصه عمل و تکوین و نهادینه نمودن مفهوم مدرن حقوق ملت در منظومه حقوق اساسی با وجود برخی از مخالفت‌ها نقشی گاهاً فعال در بومی‌سازی مفهوم آن ایفا نمودند. بگونه‌ای که بیشترین تلاش‌ها از سوی آنها جهت بومی‌سازی مفهوم حقوق ملت در متمم قانون اساسی مشروطیت و حق‌های اعطایی به آحاد ملت صورت پذیرفت. به بیانی دیگر می‌توان گفت، هرچند که از حیث زمانی اندیشمندان نوگرا در ارائه مفاهیم نوینی همچون حقوق ملت فضل تقدم داشتند. اما در اصل با ورود فقهای شرع‌گرای مشروطه‌خواه بود که اظهار نظرات و بحث و جدل‌ها پیرامون انطباق آن با فرهنگ و سنت رایج در جامعه ایرانی شکل گرفت. چنانچه شرع‌گرایان بخوبی توانستند با گشودن ابواب فقهی به بحث‌های ارائه شده پیرامون بومی‌سازی مفهوم مدرن حقوق ملت رنگ و بویی اسلامی بدان دهند. چنانچه هر یک از آنها ضمن موافقت و یا با مخالفت و بعضاً ارائه تعاریف و تفاسیر شرعی خود به درستی مسیر نوگرایی را در ساختار حاکمیتی جامعه سنتی ایران از طریق شریعت اسلامی و با گذار از سنت‌ها گشودند. در واقع، برداشت و تأثیر فقیهان و شرع‌گرایان موافق و حتی مخالف مشروطیت حفظ شریعت اسلامی با پاسداشت، حقوق ملت بوده است.

References

- Adamit, Fereydoun, (1970), Thoughts of Mirza Fath Ali Akhondzadeh, Tehran: Kharazmi
- Adamit, Fereydoun, (1984), The Thoughts of Talibov Tabrizi, Tehran: Damavand
- Adamit, Fereydoun, (2006), The Thought of Progress and the Rule of Law, Kharazmi Publications
- Ajdani, Lotfollah, (2018), Scholars and the Constitutional Revolution, Fifth Edition, Tehran: Akhtaran
- Akhundzadeh, Mirza Fath Ali, (1978), The New Alphabet and Letters, by Majid Mohammadzadeh, Tabriz: Mehr Printing
- Damghani, Mohammad Taghi, (1978), The first laws of Iran before constitutionalism, Tehran: Behzad
- Kadivar, Mohsen, (2008), Theories of government in Shiite jurisprudence, seventh edition, Tehran: Ney Publishing
- Malek Khan, (2002), Treatises of Mirza Malek Khan Nazem Al-Dawlah, Compiled by Hojjatullah Asil, Nahran: Nashr-e Ney
- Malkam Khan, (2009), Malkam's treatises, by the efforts of Hojjatullah Asil, second edition, Tehran: Ney Publishing
- Maziani, Mohammad Sadegh, (2010), Distinctions between Religious and Western Constitutionalists, Qom: Book Garden
- Moradi, Massoud; Rezaei, Fatemeh, (2016), Evaluation of the Concept of Nation in the Qajar Period, "Journal of Historical Research in Iran and Islam", No. 19
- Moradkhani, Fardin, (2017), Legal Reading of the Iranian Constitutional Revolution, Tehran: Mizan
- Moradkhani, Fardin; Sadeghian, Marzieh, (2019), The Constitution of the Nation and the Role of Ayatollah Naeini in the Development of the Concept of Right, "Quarterly Journal of Political Science", 22, No. 82
- Mustashar al-Dawla, Mirza Yusuf Khan, (2003), A Word and a Letter, by Mohammad Sadegh Feyz, Tehran: Sabah Publications
- Naeini, Mohammad Hussein, (2009), Tanbih al-Ummah and Tanzih al-Mullah, edited by Seyyed Javad Varej, Qom: Islamic Propaganda Office Publications
- Saket, Mohammad Hossein, (1991), A Historical Approach to the Philosophy of Law, Tehran: The Contemporary World
- Tabatabai, Seyed Javad, (2007), Fundamentals of the Rule of Law in Iran, First Edition, Tehran: Sotoudeh
- Talibov, Abd al-Rahim, (1978), Freedom and Politics, by Iraj Afshar, Tehran: Sahar Publications
- Turkman, Mohammad, (1983), Letters of Announcements and Letters of Sheikh Shahid Fazlullah Nouri Newspaper, Volume I, Rasa Cultural and Service Institute
- Zargarinejad, Gholam Hossein, (1995), Treatises on Constitutionalism (Eighteen Treatises and Bills on Constitutionalism, Tehran: Kavir Publications

